

صعود والیبال با صدر نشینی



سومین دیدار تیم ملی والیبال در مرحله مقدماتی رقابت‌های انتخابی المپیک برابر چین میزبان بود که از هیچ تلاشی برای موفقیت در این رقابت‌ها دریغ نکرده بود. میزبانی که البته تلاش‌هایش برابر بلندقامتان ایران کافی نبود و بسار دیگر این ایران بود که برابر این حریف به عنوان تیم برنده از میدان بیرون آمد. این مسابقه با نتیجه سه بر صفر به سود شاگردان ایگور کولاکوویچ خاتمه پیدا کرد تا آنها تیم صدرنشین گروه اول باشند. ایگور کولاکوویچ برای این مسابقه از ترکیب سعید معروف، شهرام محمودی، سیدمحمد موسوی، میلاد عبادی پور، پوریا فیاضی، علی شفیع و محمدرضا موذن استفاده کرد. در ست نخست چینی‌ها بازی را بهتر از ایران شروع کردند اما در ادامه تیم ایران توانست بهتر ظاهر شود و در امتیاز ۱۶ بر ۱۵ به سود ایران، تیم‌ها به وقت استراحت فنی دوم رفتند. این ست در نهایت با نتیجه ۲۵ بر ۲۲ به سود ایران تمام شد. در ابتدای ست دوم باز هم چینی‌ها بهتر بودند ولی این برتری ادامه پیدا نکرد تا نتیجه ۲۵ بر ۲۰ به سود ایران ثبت شود. ایران که بدون تغییر در ترکیب وارد ست سوم شد، در پایان با امتیاز ۲۵ بر ۲۱ پیروز شد تا با صدرنشینی راهی مرحله نیمه‌نهایی شوند. ایران دو بازی نخست خود را برابر چین تایپه و قزاقستان رانیز سه بر صفر برده بود. در پایان مسابقه شهرام محمودی، پشت خطزن تیم ملی ایران که گفته شد در تمرینات مصدوم شده، با کسب ۱۶ امتیاز توانست عنوان امتیازآورترین بازیکن میدان را به خود اختصاص دهد. تیم ایران در این بازی ۵۲ امتیاز از اسپک، پنج امتیاز از دفاع روی تور، دو امتیاز از سرویس مستقیم و ۱۶ امتیاز از اشتباهات حریف کسب کرد. در مقابل چین ۳۸ امتیاز از اسپک، دو امتیاز از دفاع روی تور، یک امتیاز از سرویس مستقیم و ۲۲ امتیاز از اشتباهات تیم ایران به دست آورد. والیبال ایران با صدرنشینی در مرحله مقدماتی، حریف کره جنوبی در مرحله نهایی می‌شود. چین هم باید به مصاف قطر شکستی‌ساز این مسابقات برود. دیدار ایران امروز ساعت ۱۱:۳۰ برگزار می‌شود.

پترورقیش رادوب کرد

در ادامه مسابقات بسکتبال لیگ برتر باشگاه‌های کشور و از هفته هفدهم این رقابت‌ها، تیم‌های مدعی قهرمانی موفق به شکست حریفان خود شدند. در آبادان تیم نفت مقابل نیروی زمینی به برتری دست یافت و پانزدهمین برد شهرداری گرگان در شهر کرد به دست آمد تا به واسطه این برد جایگاه گرگانی‌ها در صدر جدول رده‌بندی تثبیت شود. در اصفهان نیز دیدار میان دو تیم دوب آهن و پتروشمی با برتری تیم همهان به پایان رسید. همچنین مهram موفق شد در قزوین برد دیگری را در کارنامه خود ثبت کند. شیمیدر قم در غیاب مهدی کامرانی مقابل توفارقان آذرشهر به میدان رفت و به برتری دست یافت. آویژه صنعت پارسا مشهد نیز شهرداری بندرعباس را از پیش رو برداشت.

سفر توریستی هد به حذف!

تیم ملی والیبال بانوان ایران با سه شکست به کار خود در رقابت‌های انتخابی المپیک روز پنجشنبه پایان داد و به این ترتیب باید هتل و محل مسابقات را ترک می‌کردند اما زمان برگشت به ایران بیست و سوم دی اعلام شده است. به این ترتیب تیم ایران باید چهار روز در تایلند بماند و هزینه‌های اقامت را هم بپردازد. با این اوضاع اقتصادی با توجه به اینکه از قبل مقررات به تیم‌ها اعلام می‌شود، مشخص نیست چرا ایلت برگشت برای هفته آینده گرفته شده است؟ آیا مسئولان فدراسیون به صعود امیدوار بودند یا بی‌برنامگی باعث شد تا ملی پوشان سفر توریستی هم در تایلند داشته باشند؟ میترا شعبانیان سرمربی تیم ملی در این باره گفت: «قرار بود بعد از سه مسابقه برگردیم اما نمی‌دانم بلیت نبوده یا قیمت آن در زمانی که ما می‌خواستیم بالا بود. هیچ کدام علاقه نداشتیم که بمانیم و دوست داریم زودتر برگردیم».

داستان تلخ مهاجرت ستاره‌ها در ورزش ایران

کیمیاگری وارونه!

کیمیاگری، هنر تبدیل مس به پلاست و مدبران ورزش ایران، تخصص عجیبی دارند که این کار را به صورت معکوس انجام بدهند و طاراً به چیزهای بی ارزشی تبدیل کنند. کیمیا علیزاده به عنوان یکی از مهم‌ترین ستاره‌های این نسل تکواندو ایران، حالا به صف طولانی ورزشکارانی ملحق شده که «مهاجرت» را برای آینده‌شان در نظر گرفته‌اند. با این روند شاید در المپیک آینده، تعداد مدال‌های ورزشکاران ایرانی برای کشورهای دیگر از تعداد مدال‌های کاروان ایران بیشتر باشد. سوال اینجاست که مدیران وزارت ورزش چطور با این حجم از فاجعه‌های بزرگ و اتفاق‌های تلخ، شب‌ها سرشان را روی بالین می‌گذارند؟



آریار هنورد

کیمیا علیزاده هم به دنبال سرنوشتش رفت. جایی خارج از ایران. جایی دور از ایران. او در تمرین تیم ملی هلند حاضر شده و گفته می‌شود با پرچم کمیته بین‌المللی المپیک، در توکیو به رقابت خواهد پرداخت. در مورد اهمیت این تکواندوکار جوان، همین بس که او «ولین» بانوی مدال آور تاریخ ایران در المپیک بوده است. این دستاورد آنقدر بزرگ به نظر می‌رسد

سوزه روز

بازی با سر نوشت و آینده تیم ملی

به عقب برمی‌گردیم!

آریاطاری

سال‌ها پس از شکست سنگین و فاجعه‌بار در مسیر رسیدن به جام جهانی ۲۰۱۰، علی دایی دوباره به گزینه اصلی هدایت تیم ملی تبدیل شده است. شاید انتخاب او در آن دوره، با توجه به قهرمانی سایپا در لیگ حداقل کمی توجه منطقی داشت اما شهریار در این سال‌ها به عنوان یک سرمربی، چه دستاوردی داشته که باید روی نیمکت مهم‌ترین تیم فوتبال ایران بنشیند؟ آیا این یک بازگشت بزرگ به گذشته نیست؟ آیا اصلاً فدراسیون زمان درستی را برای تعیین سرمربی انتخاب کرده است؟

مهدی تاج با وجود همه ضعف‌های مدیریتی‌اش، یک ویژگی مثبت داشت و آن علاقه به جذب سرمربی خارجی برای تیم ملی بود. تاج می‌دانست که هواداران فوتبال ایران، اعتمادشان را به گزینش‌های داخلی از دست داده‌اند و پس از پیشرفت‌هایی که باکی‌روش اتفاق افتاده، دوست ندارند به عصر بازی «بدون تاکتیک» برگردند. تاج برای چند سال باکی‌روش کنار آمد و به

اتفاق روز

شروع امیدوارکننده امیدها

یک امتیاز برای گل زدن!

نمایش پسران تیم ملی امید در اولین مسابقه از رقابت‌های قهرمانی آسیا، ناامیدکننده نبود. تیم ملی امید برابر ازبکستان، بازی نسبتاً خوبی را به نمایش گذاشت و سرانجام برابر یکی از تیم‌های مدعی قهرمانی، به تساوی دست پیدا کرد. نکته عجیب در مورد ترکیب اولیه حمید استیلی، غیبت مهدی قائدی بود. بازیکنی که یک نیم فصل فوق‌العاده را سپری کرده اما در تیم ملی امید، نیمکت‌نشین است. جانشین قائدی در ترکیب، بهترین بخت گل‌زنی ایران در نیمه اول این بازی را به سادگی از دست داد. شاید اگر علی شجاعی دروازه‌خالی حریف را باز می‌کرد، ایران می‌توانست به پیروزی در این دیدار برسد اما تیم ملی زنده گل اول مسابقه نبود. اواخر نیمه اول، ازبک‌ها صاحب

آینده نامعلومی را برای خودش در نظر می‌گرفت.

جدایی ستاره‌های مثل کیمیا علیزاده، باید یک «تلنگر» بزرگ برای ورزش ایران باشد. باید مدیران وزارت ورزش را از خواب بیدار کند و یک مباحثه بزرگ به وجود بیاورد اما در عمل، هیچ‌کس حتی برای چند ثانیه «وانمود» نمی‌کند که به خاطر کوچ این ستاره، در حال حسرت خوردن است. وقتی «سعید ملایی» رفت و تیم ملی جودو شانس مسلم طلای المپیک را از دست داد، خیلی‌ها اصرار داشتند که این، یک نقشه بزرگ و یک طرح از پیش تعیین شده از سوی دشمن برای لطمه زدن به ورزش ایران بوده است. عصر این بازی‌ها اما وقتی تمام شد که نابغه‌ای مثل «علیرضا فیروزجا» به جاسی پرچم ایران، پرچم فیده را برای خودش برگزید. او در همین سن و سال کم، اولین سوپر استاندز بزرگ شطرنج ایران و بزرگ‌ترین شطرنج‌باز تاریخ کشور بود اما فدراسیون شطرنج با تصمیم عجیب اعزام نکردن تیم ملی به مسابقات سرعتی جهان، به همین سادگی نابغه‌اش را از دست داد. به محض جدایی علیرضا، تکنینگ شطرنج ایران در جهان به شکل قابل توجهی افت کرد. همین امسال بود که علیرضا فغانی نیز تصمیم گرفت به استرالیا برود تا لیگ برتر، عملاً بهترین و مهم‌ترین داور و وسطش را از دست بدهد. قبل از آنها نیز، ستاره‌های زیادی در همین مسیر قرار گرفته بودند. «میلاد بیگی» از ایران رفت و زیر نظر رضامهماندوست، تبدیل به مهم‌ترین ستاره تکواندو در آذربایجان شد. بازیکنی که در هر تورنمنت برای این کشور یک طلا به دست می‌آورد. مرحله آسمانی و سامان طهماسبی نیز نام‌های سرشناس دیگری بودند که از بازی برای ایران، چشم پوشیدند.

خیلی‌ها از خودشان می‌پرسند چرا کیمیا علیزاده باید از ایران برود؟ شاید بهتر باشد آنها این سوال را طوطی دیگری مطرح کنند؟ چرا کیمیا علیزاده باید بماند و با وجود درخشش روی شیاپ چانگ، حقوق یک و نیم میلیون تومانی وزارت ورزش را بگیرد؟ چرا کیمیا علیزاده باید در کشوری بماند که به دلیل مسائل مالی، از اعزام دختران ورزشکار به رقابت‌های گرنده‌پری و انتخابی المپیک صرف‌نظر می‌کند؟ او یک «نخبه» است و باید به جایی کوچ

دهی‌ها از خودشان می‌پرسند چرا کیمیا علیزاده باید از ایران برود؟ شاید بهتر باشد آنها این سوال را طوطی دیگری مطرح کنند؟ چرا کیمیا علیزاده باید بماند و با وجود درخشش روی شیاپ چانگ، حقوق یک و نیم میلیون تومانی وزارت ورزش را بگیرد؟ چرا کیمیا علیزاده باید در کشوری بماند که به دلیل مسائل مالی، از اعزام دختران ورزشکار به رقابت‌های گرنده‌پری و انتخابی المپیک صرف‌نظر می‌کند؟ او یک «نخبه» است و باید به جایی کوچ

همین امسال بود که علیرضا فغانی نیز تصمیم گرفت به استرالیا برود تا لیگ برتر، عملاً بهترین و مهم‌ترین داور و وسطش را از دست بدهد. قبل از آنها نیز، ستاره‌های زیادی در همین مسیر قرار گرفته بودند. «میلاد بیگی» از ایران رفت و زیر نظر رضامهماندوست، تبدیل به مهم‌ترین ستاره تکواندو در آذربایجان شد

این موج حالا آنقدر گسترده شده که شنیده می‌شود ستاره‌های ورزش جانبازان و معلولین هم در حال ترک ایران هستند. چه کسی باید جلوی این موج بایستد؟ چه کسی باید به این روند پایان بدهد؟ چرا مسئولان ورزش در ایران، هیچ قدمی برای مقابله با این روند بر نمی‌دارند؟

بسیاری از کشورهای دنیا، سال‌ها تلاش می‌کنند و میلیون‌ها دلار هزینه انجام می‌دهند تا یک مدال اورالمپیک بسازند. ورزش ایران اما چوب حراج به اعتبارش زده و مدال اورالمپیک را به حال خودشان گذاشته است. آنها در ایران بزرگ می‌شوند، در ایران رشد می‌کنند، در ایران حرفه‌ای می‌شوند اما بهترین سال‌های زندگی ورزششان را در یک کشور دیگر می‌گذرانند. وقت رسیده کمی «نگران» باشیم. حداقل «تظاهر» کنیم که نگرانیم. «میز» شما می‌گذرد آقای وزیر امسا ورزش ایران، شاید دیگر هرگز چنین ستاره‌هایی نداشته باشد. دست از این کیمیاگری وارونه بردارید. کمی هم به وضعیت این ستاره‌ها رسید.

نیز از این تیم‌ها نداشتند. مصاحبه‌ها علیه مدیران باشگاه پس از جدایی، تقریباً همیشه برای او اتفاق می‌افتد. البته که این موضوع برای «بهاروند» نگران‌کننده نیست. چرا که او به خوبی می‌داند که زیاده‌روی صندلی ریاست، دوام نخواهد آورد. شاهرار هیچ‌وقت دست‌نبراز بزرگی را کنار خودش قرار ندهد، هیچ‌وقت دانش مربیگری‌اش را کامل نکرده و به یک مربی «تاکتیکی» تبدیل نشده و هیچ‌وقت نتوانسته آرامش‌رادر کنار زمین حفظ کند. اگر کوچک‌ترین میراثی هم از دوران کی‌روش در تیم ملی باقی مانده باشد، به دست دایی ناپود خواهد شد.

تا پایان سال ۹۸، تیم ملی حتی یک مسابقه رسمی ندارد و معلوم نیست چرا فدراسیون برای انتخاب سرمربی «عجله» به خرج می‌دهد. آنها حداقل می‌توانند به سرعت سرمربی موفق‌تر و مقبول‌تری مثل یحیی گل‌محمدی برونند و بسا او قرار دادی کوتاه مدت امضا کنند. اصلاً این قرار داد، چرا باید به رئیس بعدی فدراسیون تحمیل شود؟ اگر علاقه‌مند به کار دایی نباشد، چه سرنوشتی در انتظار تیم ملی خواهد بود؟ به جای انتخاب ضربتی سرمربی، بهتر است ابتدا تکلیف فدراسیون و رئیس جدیدش روشن شود. درباره نیمکت هم به جای بهاروند، رئیس «دائمی» فدراسیون تصمیم خواهد گرفت. در غیر این صورت تیم ملی بهای بازگشت به عقب را با یک قرار داد سنگین چند میلیاردری والبتنه از دست رفتن شانس صعود به جام جهانی می‌پردازد.

او به سراغ مردی رفته که در تهران، روبروی عربستانی‌ها شکست خورد و تماشاگرهای روسکو را وادار کرد تا «قص شمشیر» مهره‌های حریف را تماشا کنند. مردی که «متمم»‌های قرار داد همیشه برایش از نتایج مهم‌تر بوده‌اند. علی دایی دقیقاً چه کاری انجام داده که او را شایسته نشستن روی نیمکت تیم ملی کند؟ نسبت به سال ۲۰۰۹ و آن شکست‌های تلخ، چه تغییری در سطح مربیگری شهریار به وجود آمده است؟

علی دایی یک چهره معتبر برای فوتبال ایران به‌شمار می‌رود اما حتی بخشی از بزرگ‌ترین فوتبالیست‌های تاریخ مثل پله و مارادونا، هرگز مربیان خوبی نشدند. تیم ملی نباید تنها به خاطر «اعتبار» دوران بازی شهریار، به او سپرده شود. چرا که این مربی نتوانسته خودش را در رقابت‌های داخلی ثابت کند. او تا امروز هرگز شغلی را بیرون از پایتخت نگذرانده و حاضر نشده به قیمت پایان دادن به دوری از فوتبال، پیشنهاد یک باشگاه غیرتهرانی را در لیگ برتر بپذیرد. سه قهرمانی در جام حذفی، تنها دستاورد‌های علی دایی در این یک دهه محسوب می‌شود. او از تیم ملی تا تیم ملی، فقط دو بار با پرسپولیس و یک بار بانفت تهران، قهرمان جام حذفی شده و دیگر هیچ موفقیتی به دست نیامورده است. شهریار هرگز نتوانسته همانند دوران قبل از حضور در تیم ملی، به قهرمانی لیگ دست پیدا کند. او سال‌ها با راه‌آهن، صبای قم، نفت تهران و سایپا کار کرده و مومو جادایی خوشایندی

جای او، مارکو ویلموتس را روی نیمکت نشانده‌اند. این نقشه در نهایت جواب نداد اما آقای رییس، باز هم به دنبال گزینه خارجی بود و تا یک قدمی امضای قرارداد با برنکو ایوانکوویچ نیز رفت. عصر پس از مهدی تاج اما ظاهر عصر بازگشت مربیان ایرانی به نیمکت تیم ملی است. عصری که در آن فردی مثل «حیدر بهاروند» برای تیم ملی تصمیم‌های بزرگ می‌گیرد. اصلاً چرا حیدر بهاروند، باید در جایگاهی باشد که سرنوشت آینده تیم ملی را مشخص کند؟ او با کدام رزومه و کدام تخصص، مراداول فدراسیون فوتبال شده است؟ رییس سازمان لیگ که حتی از برگزاری بی‌دردرس فینال جام حذفی با حضور همزمان طرفداران دو تیم در استادیوم عاجز بوده و به خاطر همین اشتباه تاریخی محرومیت پنج ساله گرفته، چرا باید در همین پنج سال نگاهان به قدرتمندترین فرد فدراسیون فوتبال تبدیل شود؟ بهاروند تا چند سال، سرمربی خیر خرم آباد بود و بعد به مدیر عامل این باشگاه تبدیل شد. او مدتی در عضویت هیات فوتبال لرستان قرار داشت و از همین طریق توانست راهش را به فدراسیون هموار کند. او حالا در حال گرفتن یک تصمیم تاریخی است و این احتمال وجود دارد که تیم ملی را به لبه پر تکان‌ببرد. انتخاب رییس «موقت» فدراسیون فوتبال، خیرتانگیز به نظر می‌رسد. او به سرعت مردی رفته که یک بار با تصمیمی «دراست» سرمربی تیم ملی شد و هم به خودش و هم به رویای میلیون‌ها نفر برای رسیدن به جام جهانی پشت کرد.

پاس خارق‌العاده به محبی و شجاعی رساند اما هر دو بازیکن «گل‌زن» ظاهر شدند. با این حجم از گل زدن، تیم ملی جدال با ازبکستان را با یک امتیاز ترک کرد. بازی دیگر این گروه میان کره و چین نیز تا آخرین ثانیه با تساوی دنبال می‌شد اما در دقیقه ۹۳ این کره‌بود که توانست تیر خلاص را به حریف بزند و در صدر جدول گروه قرار بگیرد. با این دو بازی، به نظر می‌رسد این گروه بسیار سخت و پیچیده است و هر چهار تیم، کیفیتی نزدیک به هم دارند. دیدار بعدی تیم ملی با کره، می‌تواند برای سرنوشت امیدها تعیین‌کننده باشد.

شاید در چند دهه، هیچ‌وقت تیم ملی امید ایران این سسطح «تجربه» را نداشته است. این تیم صاحب بازیکنانی است که یاد تیم‌های لیگ برتری‌شان فیکس هستند و یا حتی در فوتبال اروپا حضور دارند. با این وجود شاید هماهنگی میان نفرات در بهترین سطح نیست و تیم ملی چه به لحاظ فنی و چه به لحاظ تدارکاتی، آماده یک رقابت بزرگ نشده است. پس از دیدار با ازبکستان،



دشوار و پیچیده بعدی با کره جنوبی، باید به مراتب بی‌رحم‌تر و فرصت‌طلبانه‌تر فوتبال بازی کنند. این یکی از پرستاره‌ترین نسل‌های امید ایران است اما ستاره داشتن، تنها برای شکستن یک طلسم بزرگ کافی نخواهد بود.

به نظر می‌رسد ایران شانس عبور از مرحله گروهی را دارا دارد اما این تیم و صعود به المپیک، راه‌راهی وجود خواهد داشت. اگر ستاره‌های این تیم برای المپیک می‌جنگند، نباید موقعیت‌های گل‌زنی را به همین سادگی از دست بدهند. آنها در مسابقه